

جایگاه انجمن‌های تخصصی کشاورزی در تضمین سودآوری



دکتر بیمان شیرازپور

امروزه در دنیای تولید، تخصص به خوبی توانسته سود و تداوم سود را تضمین نماید. به طور مثال همه‌ی ما افراد با تجربه‌ی تحصیل نکرده‌ای را می‌شناسیم که می‌توانند ساختمانهای چند طبقه، شیک و ارزان بسازند. از طرفی افراد متخصصی وجود دارند که به صورت علمی با هزینه‌ای بالاتر، همان ساختمان را می‌سازند. البته در ظاهر، تفاوت این دو ساختمان در زمان تنش‌های مختلف مانند زلزله، سرمای خیلی شدید، گرمای خیلی شدید و...

به مرور زمان خود را نشان می‌دهد و در آن زمان دیگر چاره‌ای جز تحمل ضرر و زیان فراوان وجود ندارد.

در بخش کشاورزی و دامپروری نیز زمزمه‌هایی از تخصص‌گرایی چند سالی است که به گوش می‌رسد و می‌تواند با الگوبرداری از سازمان‌های پیش کسوت مانند نظام مهندسی ساختمان، نظام پزشکی و دامپزشکی و ... و اصلاح ایرادهای موجود در راستای بهره‌گیری در نظام مهندسی کشاورزی و دامپروری سرعتی دو چندان در امر تخصص‌گرایی ایجاد نماید.

در حال حاضر در بخش کشاورزی و دامپروری به علت وجود چارچوبهای اجباری و در مواردی عدم کنترل تولیدکنندگان، عملاً تخصص را ناچیز شمرده‌اند.

امروزه زمانی که متقاضی احداث یک دامپروری یا استخر پرورش ماهی و یا ... به اداره مربوطه مراجعه می‌کند، یک نقشه تپ به او ارائه می‌شود. یعنی عملاً قدرت ابتکار عمل، سلیقه و تخصص را نادیده می‌گیرند در حالی که نقشه می‌تواند توسط متخصصین نظام تهیه و به امضای آنها برسد، سپس به اداره مربوطه ارائه شود. در حال حاضر از قریب بیست سال پیش و حتی می‌توان گفت از چهل سال پیش تاکنون تمام مرعده‌ریها شبیه به هم، تمام گاوداریها کپی برابر اصل و ... می‌باشند. در حالی که در صنعت ساختمان تقریباً هیچ دو ساختمانی را نمی‌بینید که حتی ۶۰ درصد شبیه هم باشند و این نتیجه‌ی محترم شمردن تخصص در این بخش بوده است.

نقطه ضعف بزرگ دیگر، نداشتن آمار صحیح در بخش تولید است که باعث بروز سوالات فراوان می‌شود؛ مانند صدور چندمین مجوز پرورش کروکودیل که با افتخار اولین نامیده می‌شود و حتی در جراید کثیراً انتشار منعکس می‌شود و یا سالن‌های مرغداری که از آنها به عنوان انبار نان خشک و ... استفاده می‌شود ولی در آمار، مرغداری محسوب می‌شوند و یا یک کارشناس چندین کارگاه را اداره می‌کند. از آن طرف بسیاری از کارشناسان بیکار و بسیاری از کارگاهها بدون کارشناس می‌باشند. در بخش کشاورزی نیز مصرف بی‌رویه کودهای از ته باعث شده کمتر کشوری حاضر به قبول ریسک پذیرش چنین محصولاتی شود و یا عدم کنترل تولید محصولات به خاطر نداشتن الگوی تولید کشوری، باعث ایجاد عدم تعادل در تولید گردیده است. همان‌طور که همه شاهد بوده‌اند که یک سال همه یک محصول را می‌کارند و بازار ندارد و سال دیگر هیچ کس نمی‌کارد و تورم ایجاد می‌شود. در نهایت به نظر می‌رسد با توجه به شرایط کنونی، تشکیل انجمن تخصصی و به دست گرفتن قسمتی از اختیارات نظارت بر صدور مجوزها و شکل‌گیری کارگاههای تولیدی و روند تولید آنها بتواند علاوه بر تسهیل صدور مجوزهای گوناگون، با ارائه خدمات و نظارت تخصصی، سودآوری و تداوم سودآوری طرح را تضمین نماید.

کافی نداشته باشد، نمی‌تواند شیر تولید نماید و به مرور با افت وضعیت بدنی روبه‌رو خواهد شد. تحت چنین شرایطی دام مبتلا یک حذفی تلقی می‌شود و علت آن کاهش تولید می‌باشد. در مطالعه Juarez و همکاران مشاهده شد که به همان اندازه که درجه لنگش افزایش می‌یابد، به همان مقدار هم تولید شیر کاهش می‌یابد. متشابهاً، کارایی تولید مثلی کاهش می‌یابد. در مطالعه‌ای که اخیراً توسط Melendez و همکاران صورت پذیرفت، مشاهده شد که گاوهای شیری که در ۳۰ روز اول پس از زایش به لنگش مبتلا می‌شوند، با میزان پایین تعداد تلقیح به ازای هر آبستنی (۱۷/۲ درصد در مقابل ۴۲/۶ درصد)، میزان پایین کل آبستنی (۸۵ درصد در مقابل ۹۲/۶ درصد)، و با میزان بروز بالای بیماری‌های کیستیک تخمدان (۲۵ درصد در مقابل ۱۱/۱ درصد) همراه می‌باشد. همچنین، در این تحقیق میزان حذف دام‌های مبتلا به لنگش و غیر مبتلا پیش از آغاز فعالیت‌های تولید مثل (۹۵ روز) به ترتیب ۳۰/۸ درصد و ۵/۴ درصد مشاهده شد.

در آمریکا، گاوهای حذفی مبتلا به لنگش مستقیماً ۱۵ درصد موارد را به خود اختصاص می‌دهند. از سوی دیگر با توجه به خسارات ناشی از لنگش در افت شیر و کارایی تولید مثلی، اثرات غیر مستقیم لنگش به راحتی تا ۴۹ درصد موارد حذفی را در گله‌های شیری آمریکا به خود اختصاص می‌دهد. البته این عقیده نیز وجود دارد که در زمان مورد توجه قرار دادن اثرات لنگش بر میزان حذف، اهمیت لنگش کمتر از آن چیزی که وجود دارد، تخمین زده می‌شود. تاکید بیشتر در حفظ و نگهداری از پرونده‌های ثبتی ممکن است در درک درست از میزان بروز لنگش و ارتقای آگاهی از اثرات لنگش بر کارایی و سوددهی دام‌ها موثر باشد.

در پایان، مطالعه‌ای در انگلیس نشان داد که ارزش لاشه دام‌های مبتلا به لنگش، نصف ارزش لاشه دام‌هایی است که به دلایل دیگر به کشتارگاه فروخته می‌شوند. دام‌های مبتلا بیشتر زمان خود را صرف دراز کشیدن می‌کنند و وضعیت عمومی بدن آنها افت می‌یابد. کاهش ارزش گاوهای شیری حذفی ناشی از لنگش یکی از مهمترین عوامل ضرررسان می‌باشد که غالباً از آن چشم‌پوشی می‌شود. دام‌هایی که اندام‌های حرکتی آنها با مشکلات وخیم یا پیچیده‌ای همراه شده است نیازمند ارزیابی بوده و باید به دقت درمان شوند. هدف از عملیات درمانی باید رهایی از درد و غذایی باشد که دام به آن دچار شده است، به طوری که دام به گله برگردد یا آن که برای حذف احتمالی به کشتارگاه آماده شود. با توجه به هدفی که در بالا ذکر شد، هر زمانی که درد به قدر کافی قابل کنترل نباشد، باید به مرگ با شفقت دام فکر نمود.

منابع در دفتر مجله موجود است.